



آمریکای لاتین؛ از دور، از نزدیک

سردبیر^۱

آمریکای لاتین از جمله مناطقی است که در ایران تحقیقات کمی درباره آن انجام می‌شود؛ لذا انجام تحقیقات و نگارش و ترجمه کتاب‌ها و مقالاتی تحلیلی و جامع‌نگرانه درباره اوضاع این منطقه و جریانات تأثیرگذار در عرصه سیاست و فرهنگ منطقه ضرورت دارد. آن چه که در این سال‌ها شاهد آن بودیم ترجمه آثار ادبی از نویسندگان مشهور این منطقه مانند پائولو کوئیلو، گابریل گارسیا مارکز یا ماریو بارگاس یوسا و... است، اما کتاب‌های فارسی که اطلاعاتی جدید درباره آخرین تحولات سیاسی، دینی، اجتماعی و اقتصادی این منطقه در اختیار ما قرار دهد، بسیار کم است. به علت تبلیغات رسانه‌های غربی و ارائه تصویر منفی از این منطقه، متأسفانه برخی از اساتید، نخبگان و حتی مسئولان هم تصور می‌کنند که فضای آمریکای لاتین فعلی، همانند فضای دو سه دهه قبل است. شناخت کم از این منطقه باعث شده است که علی‌رغم ارتباطات سیاسی خوب، ارتباطات فرهنگی، علمی و مردمی کمی با این منطقه داشته باشیم. قطعاً اطلاعات و شناخت کافی

۱. un_almostafa@yahoo.com.

از این مناطق باعث افزایش تعاملات و ارتباطات مردمی، فرهنگی، هنری، علمی، اقتصادی ما با آنها می‌شود.

دو گام اساسی برای شناخت بیشتر

گام اول، تقویت و گسترش روابط، شناخت و آگاهی دقیق و جامع از این منطقه است. **گام دوم**، بسترسازی برای ارتباط و سپس حضور است و اگر اراده تعاملات عمیق‌تر و پایدارتری در منطقه وجود دارد، باید بسترهای حضور بخش‌های مختلف - اعم از اندیشمندان، تجار، اساتید، هنرمندان، نویسندگان و... - در این مناطق فراهم گردد.

برخلاف غفلی که در ایران صورت گرفته، در حال حاضر مراکز مطالعاتی فراوانی درباره آمریکای لاتین در دانشگاه‌های معتبر آمریکا، کانادا و کشورهای اروپایی وجود دارد که فقدان چنین مرکزی در کشور ما مشهود است. برای نمونه، «انجمن مطالعات آمریکای لاتین»^۱ در سال ۱۹۶۴ در دانشگاه ناتینگهام انگلیس تأسیس شد که یکی از مراکز عمده مطالعات آمریکای لاتین در انگلستان به شمار می‌آید و به مطالعه و بررسی مسائل سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، مذهب، جنسیت، تاریخ، مهاجرت، حقوق و قانون‌گذاری در آمریکای لاتین می‌پردازد. این مرکز سهم عمده‌ای را در توسعه مطالعات آمریکای لاتین در انگلستان ایفا می‌کند. انجمن یادشده علاوه بر نشر کتاب و فصل‌نامه، «خبرنامه انجمن مطالعات آمریکای لاتین»^۲ و «بولتن پژوهش‌های آمریکای لاتین»^۳ را هم منتشر می‌کند.

مرکز دیگر، «کنسرسیوم مطالعات آمریکای لاتین و حوزه کارائیب» در دانشگاه کارولینای شمالی در چپل هیل و دانشگاه دوک است که در سال ۱۹۹۰ در چپل هیل کارولینای شمالی تأسیس شده است. از این مراکز تحقیقاتی در ایالات متحده فراوان وجود دارد.^۴

۱. Society for latin American Studies(SLAS) .
 ۲. SLAS Newsletter .
 ۳. The Bulletin of Latin American Research (BLAR) .
 ۴. رک: «راهنمای مراکز مطالعاتی جهان(۳): مراکز مطالعات منطقه‌ای(۲)»، تدوین فیروزه میرزوی، گردآوری و ترجمه افسانه احدی، ستوده زیباکلام و حسین عسکریان، چاپ اول، ۱۳۸۶، تهران: موسسه ابرار معاصر، صص ۴۸۳-۳۴۴.

نگاهی گذرا بر منطقه

در یک نگاه اجمالی، منطقه «آمریکای لاتین» در برگیرنده بخش اعظم قاره آمریکا، از شمال مکزیک تا جنوب شیلی و آرژانتین با وسعتی بیش از ۲۱ میلیون کیلومتر مربع است که به بخشی از آمریکای شمالی، آمریکای مرکزی، حوزه کارائیب و آمریکای جنوبی تقسیم می‌شود و دارای ۱۵ درصد مساحت کره زمین و جمعیتی بیش از ۵۶۰ میلیون نفر است. از نظر ژئوپلیتیکی، آمریکای لاتین مجموعه‌ای از کشورهای قاره آمریکا را تشکیل می‌دهد که می‌توان آن را در برابر آمریکای شمالی انگلیسی‌زبان قرار داد.

از میان کشورهای آمریکای لاتین می‌توان به برزیل، آرژانتین، بولیوی، کاستاریکا، شیلی، کوبا، اکوادور، گواتمالا، هندوراس، پرو، پاناما، سالوادور، پاراگوئه، نیکاراگوا، ونزوئلا و... اشاره کرد. پورتوریکو و هائیتی را نیز گاهی اوقات جزو آمریکای لاتین به شمار می‌آورند. با این همه گویان فرانسه به دلیل قرار گرفتن در میان مستعمرات آن سوی دریای فرانسه، جزئی از اتحادیه اروپا به شمار می‌رود.

پراکندگی جمعیت در این منطقه بسیار متنوع است. برزیل با حدود ۱۹۰ میلیون نفر، پرجمعیت‌ترین و مکزیک با بیش از ۱۰۶ میلیون نفر در رتبه دوم جمعیتی این کشورها قرار دارند. در میان کشورهای آمریکای لاتین، دو کشور بیش از ۱۰۰ میلیون، چهار کشور بیش از ۲۰ میلیون (آرژانتین، پرو، کلمبیا و ونزوئلا)، چهار کشور بین ۱۰ تا ۱۶ میلیون و پنج کشور بین ۵ و ۱۰ میلیون جمعیت دارند. غالب جزایر دریای کارائیب که پیش از این مستعمره انگلستان بودند، هم حدود ۲۰۰ هزار نفر جمعیت دارند.

دین اصلی مردم آمریکای لاتین، مسیحیت کاتولیک است که هر سال پیروان آن کمتر می‌شود. پس از آن پروتستان‌ها، خصوصاً فرقه‌های اونجلیک، پنطیکاست، مورمون و شاهدان یهوه جمعیت قابل توجهی را به خود اختصاص می‌دهند. مسلمانان، یهودیان، آیین‌های بومی سرخ‌پوستی، ادیان آفریقایی - آمریکایی، بودیسم، هندویسم، قادیانیه (احمدیه)، فرقه ضاله بهائیت و... هم از اقلیت‌های موجود در این منطقه هستند.

وضعیت اقتصادی آمریکای لاتین از کشوری به کشور دیگر بسیار متفاوت است. منابع زیرزمینی، نرخ تولید ناخالص داخلی، شرکای اقتصادی، میزان تورم، توزیع فقر/ ثروت،

فرآورده‌های صادراتی و... این گوناگونی را نمایان می‌کند. سه دولت بزرگ اقتصادی این منطقه، برزیل، آرژانتین و مکزیک هستند که از سوی دیگر پرجمعیت‌ترین کشورهای آن نیز محسوب می‌شوند. در غالب منابع، برزیل و مکزیک به ترتیب به عنوان دهمین و چهاردهمین قدرت اقتصادی دنیا مطرح هستند. ونزوئلا بیشترین ذخیره نفتی را در این منطقه دارد. کشورهایی مثل بولیوی، پرو و برخی دیگر از کشورهای آمریکای مرکزی از جمله کشورهای فقیر منطقه محسوب می‌شوند. اقتصاد کشورهای آمریکای مرکزی - به خصوص پاناما و کاستاریکا - و جزایر کوچک دریای کارائیب عمدتاً بر پایه توریسم می‌چرخد. بنا به گزارش‌های تاریخی، اروپایی‌ها خصوصاً اسپانیایی‌ها و پرتغالی‌ها پس از ورود به این منطقه، به قتل عام بومیان می‌پردازند و سپس اقدام به جریان‌سازی تحمیلی فرهنگی می‌کنند. در نخستین اولویت کاری خود، به اجبار دین و زبان مردم را تغییر دادند. طبق گزارش‌ها، ۶۲۰ گویش و زبان در بین بومیان منطقه رواج داشته که از بین آنها ۱۰۳ زبان، وسیله انتقال اطلاعات و مطالب بوده و بقیه زبان محلی کشورها است. اما استعمارگران این زبان‌ها تغییر دادند و زبان اسپانیولی را در کشورهای ونزوئلا، آرژانتین، بولیوی، اروگوئه، پاراگوئه، کلمبیا، اکوادور، پرو و آمریکای مرکزی رواج دادند و پرتغالی‌ها به خاطر حاکمیت در برزیل، زبان پرتغالی را در این کشور حاکم کردند. در واقع اروپایی‌ها، مهاجمینی بودند که هم دین و زبان مردم را از آنها گرفتند و هم حکومت و اقتصاد این کشورها را از آن خود کردند.

ورود اسلام به آمریکای لاتین همزمان است با ورود مهاجران سیاه‌پوست آفریقایی و هندی‌ها و بعدها نیز اعراب با کشتی، از طرف سوریه و لبنان به قاره آمریکا مهاجرت کردند. مهاجران مسلمان با مشکلات بزرگی مواجه شدند. بسیاری از آنان مجبور به عمل به اسلام در خفا بودند و به تدریج رنگ و بوی آموزش و یادگیری مذهب کم‌رنگ شد، اما از بین نرفت و در برخی مناطق مرکزی و جنوبی آمریکا آثار به جا مانده از مهاجران - که در عمل به اسلام کوشا بودند - هنوز وجود دارد.

در اواخر قرن نوزدهم مهاجران مسلمان به ویژه اعراب کشورهای سوریه و لبنان، که نگران آینده فرزندان خود بودند، برای کمک به رشد هویت اسلامی در فرزندان و نسل جوان خود به ایجاد موسسه‌هایی اقدام نمودند و بدین ترتیب اولین مراکز اسلامی و مساجد بنا گردید.

به تدریج با کمک برخی از موسسه‌های اسلامی عربی در حوزه خلیج فارس، این سازمان‌ها شروع به رشد کرد. در نتیجه، با تشویق و بالا بردن علاقه‌مندی و گرایش مردم اسپانیایی‌زبان آن منطقه به اسلام پیش رفتند تا جایی که برخی از آنها اسلام را به عنوان راه نجات و تعالی انتخاب کردند. این فرآیند اسلامی‌گرایی از آن سال‌ها تا به امروز رشد داشته و می‌توان گفت که در این قاره، تعداد مسلمانان و افرادی که اسلام را برگزیده‌اند چشمگیر بوده و این امکان وجود دارد که در آینده افزایش بیشتری یابد.

در برخی منابع، آمریکای لاتین دارای بیش از ۴ میلیون مسلمان است و تا ۷ میلیون هم گزارش شده است، که از این جمعیت، حدود ۲۵۰ هزار نفر در کشورهای ونزوئلا و مکزیک، حدود ۶۰۰ هزار نفر در آرژانتین و حدود ۱/۵ میلیون نفر در برزیل زندگی می‌کنند. البته آمارها متفاوت است. در تمامی شهرها و پایتخت‌های مهم آمریکای لاتین، مراکز فرهنگی و اسلامی زیادی در جهت رشد هویت اسلامی فعالیت می‌کنند که طبق برخی آمارها بیش از ۳۰۰ مرکز، مسجد و جمعیت اسلامی می‌رسد که هزینه تأسیس و بودجه این مراکز بیشتر از طریق کشورهای اسلامی تأمین می‌شود.

از سویی دیگر، چند سالی است که علاوه بر آمریکا و کشورهای اروپای غربی، کشورهایی چون چین، هند، ژاپن و ترکیه با استراتژی‌های معین به این منطقه روی آورده‌اند. با بررسی و تحلیل سیاست‌های اخیر کشورهای یاد شده می‌توان دریافت که همه آنها برنامه‌های جامعی برای فعالیت در عرصه اقتصاد، سیاست، فرهنگ، اجتماع و آموزش دارند. **ترک‌ها** و **ژاپنی‌ها** با توجه ویژه به موضوعاتی چون آموزش و بهداشت، **چینی‌ها** و **هلندی‌ها** با سرمایه‌گذاری‌های فراوان، **عربستان سعودی** در عرصه تبلیغ و... درصد تثبیت جایگاه خود و حضور پایدار و مداوم خود و ایجاد علقه و روابط عاطفی بین مردم منطقه هستند. هم‌اکنون گروه‌های آموزشی مرتبط با **آقای فتح‌الله گولن**، درصد راه‌اندازی مدارس و آموزشگاه‌هایی برای کودکان، نوجوانان و جوانان از قشر ثروتمند و بانفوذ این منطقه است و سعی دارند تجربیات خود در آسیای مرکزی و اروپا را در این منطقه هم تکرار کنند.

لاتین می‌تواند درس‌ها و تجربیات بسیاری برای ما داشته باشد. برای نمونه، با دقت در سیاست‌های صندوق بین‌المللی پول در کشورهای این منطقه و تحلیل بدهکاری‌های فراوان کشورهای آمریکای لاتین - به ویژه در دهه گذشته و حتی الآن - می‌توان دریافت که این صندوق خدمتی به کشورهای منطقه نکرده است. چنان که نوام چامسکی، منتقد سیاسی مشهور، می‌گوید «صندوق بین‌المللی پول چیزی دیگر نیست جز خزانه ایالات متحده آمریکا».^۱ چامسکی همچنین معتقد است که «صندوق بین‌المللی پول، اسلحه‌ای اقتصادی برای کنترل کشورهای مستعمره است و اسلحه اقتصادی صندوق به همراه تسلیحات و تجهیزات نظامی آمریکا، کمک به سر پا قرار گرفتن ایالات متحده آمریکا و کنترل کشورهای آمریکای لاتین است. بولیوی، برزیل، آرژانتین و... نمونه‌هایی برای اثبات این ادعا هستند؛ چرا که بولیوی نزدیک به ۲۵ سال، تابع مقررات صندوق بین‌المللی پول بود و نتیجه آن شد که درآمد سرانه سالانه مردم این کشور، به پایین‌تر از ۲۵ سال گذشته رسید».^۲

نکته مهم درس آموز از این منطقه، مشاهده استقامت و حضور به موقع مردم در صحنه است. تجربه دولت‌های انقلابی این منطقه مانند کوبا و ونزوئلا نشان داد که حتی می‌توان در حیات خلوت آمریکا بود و جلوی آمریکا ایستاد و سیاست‌های خصمانه او را خنثی کرد. لذا اگر ملتی در برابر ظلم و استبداد و استکبار متحد شود، علی‌رغم همه فشارها و تهدیدات می‌تواند جلوی ابرقدرت‌های جهانی برای مدت طولانی مقاومت کند.

درس دیگر جهانی شدن ادبیات آمریکای لاتین است؛ با این توضیح که جهانی شدن ادبیات، زمانی اهمیت دوچندان می‌یابد که بتوان فرهنگ و تمدن خود را در محتوای اثر منظور کرد تا حرفی نو برای مخاطب جهانی ارائه شود.

۱. نوام چامسکی، ائتلاف و یکپارچگی آمریکای لاتین (گفتگو)، ویژه‌نامه سینمای سوم: مروری بر سینمای آمریکای لاتین، مرکز فرهنگی میثاق، ص ۱۴.
۲. همان.

فرصت‌های موجود در آمریکای لاتین

۱. سیاسی

مهم‌ترین فرصت سیاسی در آمریکای لاتین بیداری سیاسی در منطقه، انقلاب بولیواری جدید در منطقه به رهبری ونزوئلا و هوگو چاوز و همچنین کوبا و کاسترو به عنوان پدر سیاسی و انقلابی و روی کار آمدن دولت‌های منتقد سیاست‌های آمریکا در منطقه مانند مورالس (بولیوی)، اورتگا (نیکاراگوئه)، کوره‌آ (اکوادور) و لوگو (پاراگوئه) در سال‌های اخیر است. تأثیرات این موج سیاسی در منطقه آن چنان بوده است که تحلیل‌گران سیاسی معتقدند علی‌رغم امکانات و نفوذ بسیار آمریکا، قدرت این کشور در آمریکای لاتین به سرعت در حال افول است. این منطقه با اتحادیه‌هایی اقتصادی و سیاسی چون آلبا، اناسور، مرکوسور و اخیراً سلاک، در صدد است بدون حضور ایالات متحده آمریکا، هم‌گرایی منطقه‌ای را تقویت کند و در دفاع از دموکراسی، تقویت اقتصاد منطقه، جلوگیری از کودتا و بی‌ثباتی گام بردارد.

۲. دینی

پشتیبانی، حمایت و هدایت مستضعفان عموماً و توجه به امور مسلمانان در قالب گروه‌ها و احزاب فرهنگی، اجتماعی و حتی اقتصادی از جمله رسالت‌های انقلاب اسلامی است تا آنان بتوانند حضور اجتماعی و فرهنگی بیشتری در منطقه داشته باشند. حضور مهاجران مسلمان (اعم از اعراب، آفریقایی و شبه قاره هند و...) توجه بیشتر به این منطقه و تلاش برای رفع نیازهای جامعه مسلمانان این منطقه را مضاعف می‌کند. قطعاً در دوره بحران معنویت و زندگی ماشینی، معنویت اسلامی جذابیت بیشتری دارد. عمل کرد نامناسب و سابقه تاریخی کلیسای کاتولیک و وجود بدبینی به کشورهای غربی در بین برخی اقشار روشنفکر و آزاداندیش باعث شده است مردم آمریکای لاتین به دنبال جواب این پرسش باشند که اسلام چیست و چه می‌گوید؟ از سویی، حضور پررنگ فرقه‌های ضاله و معنویت‌های نوپدید یکی از تهدیدهای جدی برای دین‌داران از جمله مسلمانان این منطقه

است. هم اکنون فرقه‌های منحرف یا ضاله‌ای چون بهائیت، گروه‌های مختلف و متعدد شیطان‌پرستی و همچنین مسیحیت صهیونیستی در منطقه فعال است و وظیفه مسئولان فرهنگی را سنگین‌تر می‌کند.

۳. اجتماعی و فرهنگی

ترکیب جمعیتی منطقه آمریکای لاتین حاصل چندین موج مهاجرت است که جمعیت این منطقه با توجه به گوناگونی قومی جالب توجه و فرصتی برای تعامل ایجاد نموده است. دسته اول، اقوام سرخ‌پوست هستند که سکونت آنان به پیش از استعمار این قاره بازمی‌گردد. دسته‌ای دیگر از جمعیت‌های این منطقه را اقوام اروپایی تشکیل می‌دهند. اصالت بیشتر آنان پرتغالی (عمدتاً در برزیل) یا متعلق به اسپانیا (عمدتاً در غرب آمریکای جنوبی و کشورهای اسپانیایی‌زبان) است. موج‌های مهاجرت بعدی در دو سه قرن بعد، از دیگر کشورهای اروپایی هم چون ایتالیا، هلند، انگلیس، فرانسه و آلمان صورت گرفته است. دسته سوم، آفریقایی‌تبارها هستند؛ مهاجرت آنها، حاصل دوران برده‌داری است. در واقع به علت عدم تجربه و مقاومت کم اقوام محلی در معادن و کشتزارها و حتی در برابر بیماری‌های وارداتی دنیای قدیم، استعمارگران اسپانیایی و پرتغالی و دیگر کشورهای اروپایی را به آوردن برده‌های مقاوم‌تر از آفریقا واداشت. دسته دیگر، آسیایی‌تبارها هستند که شامل اعراب (عمدتاً لبنانی، فلسطینی و سوری)، شبه قاره هند، کشورهای شرق و جنوب شرق از جمله اندونزیایی، ژاپنی، چینی و کره‌ای‌ها می‌باشند.

سرانجام باید جمعیت‌های دورگه را به اقوام آمریکای لاتین افزود که اغلب آنان حاصل جمع میان اقوام سرخ‌پوست و جمعیت‌های مهاجر دیگر - از جمله سرخ و سفید، سرخ و سیاه، سیاه و سفید - می‌باشد. به عنوان مثال دورگه‌ها ۸۵ درصد جمعیت پاراگوئه، ۷۳ درصد جمعیت دومینیکن، ۶۴ درصد مردم مکزیک، ۴۷ درصد جمعیت کلمبیا و نیز نیمی از جمعیت آمریکای مرکزی را تشکیل می‌دهند که در مجموع درصد قابل توجهی از جمعیت منطقه را به خود اختصاص داده‌اند. تنوع قومی و نژادی و هم‌چنین تنوع زبانی و آداب و رسوم موجب شده در این منطقه هویت یکپارچه‌ای شکل نگیرد. عدم هویت یکپارچه به نوبه

خود فعالیت فرهنگی را سخت کرده است، اما همین تنوع و تکثر به نوبه خود فرصت معتنمی است که باید با شناخت جوانب آن وارد فعالیت و تعامل با آن شد.

۴. علمی و تحقیقاتی

دانشگاه‌های آمریکای لاتین، اگر چه شهرت دانشگاه‌های اروپایی و آمریکا را ندارند، اما برخی از آنها در سطح استانداردهای جهانی فعالیت می‌کنند و توانسته‌اند دانشجویان فراوانی را از کشورهای مختلف جذب کنند که ظرفیت خوبی است. از سویی دیگر، در کنار دانشگاه‌های دولتی و ملی، دانشگاه‌های غیرانتفاعی زیادی نیز در هر یک از این کشورها وجود دارد که در مجموع امکان راه‌اندازی رشته‌ها و برگزاری دوره‌های آموزشی را در منطقه میسر می‌سازد.

دانشگاه‌های برزیل، آرژانتین، مکزیک، شیلی و کوبا (در عرصه پزشکی) از جمله دانشگاه‌های معتبر این منطقه هستند. بر اساس نظرسنجی یک موسسه تحقیقاتی در آمریکا، دانشگاه ساو پائولو (برزیل)، دانشگاه ملی مکزیک، دانشگاه دولتی کامپیناس (برزیل)، دانشگاه بوئنوس آیرس (آرژانتین)، دانشگاه فدرال ریوگرانده دو سل (برزیل)، دانشگاه پورتال دا (برزیل)، دانشگاه فدرال ریودوژانیرو (برزیل)، دانشگاه دولتی پائولستا جولیو (برزیل)، دانشگاه فدرال سانتا کاترینا (برزیل)، دانشگاه فدرال میناس جراس (برزیل)، دانشگاه شیلی و دانشگاه دوپارتا (برزیل) برترین دانشگاه‌های حوزه آمریکای لاتین را تشکیل می‌دهند. هم‌اکنون دانشگاه تهران با دانشگاه لاپلاتا آرژانتین و برخی دانشگاه‌های دیگر منطقه تفاهم‌نامه همکاری دارد و این فرصت برای مراکز علمی و تحقیقاتی کشور وجود دارد که ارتباطات بیشتری با این دانشگاه‌ها برقرار کرده و در زمینه‌های مختلف علوم انسانی، اسلام‌شناسی، فلسفه دین، الهیات، شرق‌شناسی و تاریخ تمدن اسلامی همکاری نماید.

۵. هنر و ادبیات

غالب محققان و هنرمندان، سینمای آمریکای لاتین را «سینمای اعتراض» می‌نامند. اعتراض علیه بی‌عدالتی، استثمار فرهنگی و اقتصادی، تبعیض، ترور، کودتا، فقر و... در حال

حاضر یکی از قوی‌ترین مراکز مستندسازی جهان، در کشور کوبا است که شهرت بین‌المللی بسیاری دارد. «انجمن هنر و صنعت سینما» (ICAIC) به ریاست «گابریل گارسیا مارکز»، نویسنده مشهور کلمبیایی، فعالیت می‌کند. این مرکز، بزرگ‌ترین مدرسه بین‌المللی سینما و مستند در سراسر آمریکای لاتین و یکی از قوی‌ترین مدارس سینمایی جهان است. دوره تحصیل معمولی آن دو ساله است و در تمام رشته‌های هنری و فنی فیلم‌سازی فعال است و معروف‌ترین سینماگران، فیلم‌نامه‌نویسان و حتی بازیگران جهان که روحیه انتقادی و اعتراضی یا انسان‌دوستانه دارند، کم و بیش با این مرکز در ارتباط هستند. هنرمندان کشورهای این منطقه به این واسطه سعی دارند فرهنگ و هنر کشور خودشان را به نمایش گزارند و در ضمن، آموزش و تربیت یک نسل هنری منتقد سیاست‌های امپریالیستی آمریکا و غرب برای بیان مشکلات کشورهای این منطقه نیز دنبال می‌شود. در این رابطه کوبا بسیار فعال است که با این کار توانسته اعتبار بسیار زیادی برای خود به دست آورد! براین اساس شاهد هستیم که کشور کوچک و فقیری مثل کوبا با همین مدرسه و البته با استراتژی دقیق و مناسب فرهنگی و هنری، برای شناساندن انقلاب خود در دنیا توانست گام بسیار موفقی بردارد و از سویی تأثیرات فراوانی بر سینما و مستند آمریکای لاتین بگذارد. به عنوان نمونه، تحت تأثیر سینمای سیاسی کوبا، سلسله فیلم‌هایی ساخته شد که شرایط زندگی و اجتماعی و سیاسی در کشورهای آمریکایی را به نمایش گذاشت و به نقد و تحلیل وضعیت این کشورها و نقش استعمارگران در بی‌ثباتی و فقر و تبعیض و شکاف طبقاتی پرداخته است.

۶. صنعت و کشاورزی

منابع و معادن طبیعی بسیاری مانند طلا، مس، نقره و سنگ‌های معدنی، هم‌چنین نفت و گاز در منطقه وجود دارد که می‌تواند موجب تقویت و گسترش همکاری‌ها شود. از سوی دیگر به خاطر وجود زمین‌های حاصل‌خیز و پرآب، امکان کشاورزی در این منطقه بسیار فراهم است. دولت‌های منطقه این آمادگی را دارند که زمین‌هایی را به کشاورزان و صنعت‌گران واگذار نمایند. وجود زمین‌های حاصل‌خیز و نیروی کار ارزان، زمینه همکاری‌های کشاورزی و

دام‌پروری به ویژه تولید گوشت قرمز را در منطقه فراهم ساخته است.

اما آنچه که در این تعاملات می‌تواند بیشتر، گسترده‌تر و حتی سریع‌تر، مورد توجه قرار گیرد، استفاده از توان علمی و تخصصی در عرصه استخراج نفت و گاز منطقه است. اغلب این کشورها در عرصه استخراج نفت و گاز، تجربه و توان لازم را ندارند و عمدتاً نگاه‌شان به کمک و حمایت کشورهای غربی است. در این زمینه می‌توان با استفاده از توان و پتانسیل متخصصان، تجربه موفق صنعت نفت را در اختیار آنها قرار داد و در زمینه استخراج نفت و گاز با آنها وارد تعامل اقتصادی شد تا با تربیت و آموزش نیروهای بومی، در منطقه حضور مؤثری پیدا کرد.

نکته پایانی این‌که در حوزه تحقیقات و پژوهش نیز موضوعات فراوانی وجود دارد که لازم است مورد توجه قرار گیرد تا شناخت لازم و کافی از منطقه حاصل شود؛ موضوعات مختلفی در رابطه با دین و مذهب، فرهنگ و اجتماع، سیاست و ... تا راهبردهای مناسبی را جهت تعامل با کشورهای منطقه به دست آورد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی